

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اگست ۲۰۲۱

"گره زاهد" و "طالب اصلاح شده"!

(۳)

شنبه - ۳۰ اسد ۱۴۰۰ - کابل:

انجماد فکری و تغییر ناپذیری طالب:

در دو قسمت قبلی به تغییرات ظاهری حتا تغییر در سلوک و شخصیت طالب که بخشی از تغییر محتوایی نیز به شمار می رود پرداختیم، در این قسمت می بینیم که طالب در کدام زمینه مطلقاً تغییر نخورده و می شود گفت، ذهن و فکرش کاملاً منجمد و سنگواره شده است.

تا جایی که از صحبت ها و مصاحبات چند روز اخیر "بزرگان طالب" بر می آید، آنها در یک چیز به صورت مطلق هیچ گونه تغییری نسبت به گذشته ننموده اند و آنهم اعتقادات ایدئولوژیک آنها نسبت به جامعه، مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی می باشد. یعنی هرچند آنها تلاش می ورزند تا چهره مهربانتری به خود بگیرند و با تبسم از پاسخ صریح فرار نمایند، مگر در واقعیت امر با همان نصف زبان هم، ماهیت ایدئولوژیک شان را اعلام می دارند. مثلاً:

وقتی یکی از خبرنگاران از "ذبیح الله مجاهد" سخنگوی آنها پرسید که نظر شان راجع به نظام آینده و چگونگی آن چیست، وی در حالی که خود را بسیار مهربان نشان می داد گفت:

"سیاستمداران و بزرگان در این مورد در حال بحث هستند، بگذارید آنها تصمیم بگیرند" این جمله که در ظاهر خود بار خاصی را حمل نمی نماید مگر در بطن خود اعتقاد ایدئولوژیک طالب را که گویا "عوام چارپایان هستند" و به "قیم" و رهنما و بزرگان نیاز دارند، بازتاب می دهد. از این منظر طالب، توده های میلیونی کشور نه صلاحیت دخالت در تعیین سرنوشت شان را دارند و نه هم حق آن را. آنها "اتباع" اند نه شهروند دارای حقوق مساوی با سایر شهروندان. از همین رو وظیفه آنها صبر کردن و اطاعت کردن از "ولی امر" است و نباید به کار کلانها دخالت نمایند، یعنی نه حقوقی وجود دارد، نه انتخاباتی و نه هم قانون و یا مقرراتی. به مانند گذشته که "ملا عمر" یک فرمان صادر می کرد، باز هم درب بر همان پاشنه خواهد چرخید.

نمونه دیگر پاسخ آنها در قبال حقوق و آزادیهای دموکراتیک زنان، از حق انتخاب لباس گرفته، تا تحصیل، کار خارج از خانه، ازدواج، طلاق، حضانت اطفال، میراث و ... است. این جمع بدون آن که بر روی خود بیاورند که چه می گویند، بسیار ساده پاسخ می دهند: "زنان از تمام این حقوق بر مینا و در چوکات شریعت اسلام برخوردار اند".

این پاسخ یعنی جمیع حقوق و آزادیهای دموکراتیک زنان را به دم خر اسلام و محمد بستن. اگر چنین پاسخی برای افراد نا آگاه و فاقد شناخت کامل از اسلام یک پاسخ قانع کننده به شمار می رود، برای آنهایی از اسلام شناخت دارند و می دانند که بر مبنای آیات قرآن که گفته است "بعضی تان را بر بعضی تان برتری دادیم"، "مردان را که نان آور خانه اند بر زنان برتری دادیم"، "اگر زنهای بی گفت-ناشزه- به نصیحت، جدا کردن بسترو جدا کردن خانه نشد، آنها را بزنید در صورتی که اطاعت کردند بر آنها رحم کنید"، "بدون اجازه شوهر حتا نزد داکتر و جنازه پدرش رفته نمی تواند"، "تنها و بدون مرد از خانه خارج شده نمی تواند" و ...

وقتی تمام این زنجیر های اسارتی را که شریعت اسلام بر پای زن می بندد، در نظر گیریم در می یابیم که زن در فرهنگ اسلام یعنی برده جنسی مرد، یعنی کنیزی که در بدل شیربها خریده شده و هیچ نوع حق و حقوقی ندارد، یعنی زندانی دایم العمر در زندانی به نام خانه شوهر.

هموطنان گرامی!

این تحجر و انجماد فکری طالب تنها در دو زمینه ای که تذکار یافت محدود نمانده در هر جایی که حقوق و آزادی های دموکراتیک و انسانی حیات امروزی انسان را به "شریعت" حواله می دهد، بدان معناست که یعنی حق و حقوقی وجود ندارد، اتباع برای "اطاعت از اوامر خدا، رسول و ولی امر اند" نه چیز دیگری. از همین رو برای تمام مردم افغانستان با صدای رسا فریاد می زنم که گول ظاهر پاک و آراسته طالب کنونی را نخورید، طالب همان است که بود، لبخند ها و خوش خلقی های کنونی آنها صرف به خاطر آن است تا یک بار پایه های قدرت شان را در افغانستان محکم سازند بعداً با تحکیم آن پایه، باز هم ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع مساحت یعنی تمام افغانستان را به زندان زنان، مردان از تمام اقوام، مذاهب و زبانها مبدل خواهند نمود.

هموطنان گرامی!

طالب همان گربه زاهدیست که "زاکانی" آن را به تصویر کشیده است، عجالتاً خود را به خواب زده است تا شکارش را غافل سازد تا بعداً "پنج پنج" گرفته و در زیر چنگالها و دندانهایش خون آلودش خرد و نابود نماید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!